## 317771 ـ آیا خشکی نشانه‌ای مورد اتفاق برای پاکی از حیض است؟

**سوال**

می‌خواهم دربارۀ آخرین نظر ابن عثیمین رحمه الله دربارۀ زردی (صفرة) و تیرگی (کدرة) بپرسم؛ چرا که ایشان گفته‌اند این دو به هیچ وجه جزو حیض نیستند. پرسش من این است: دیدگاه ایشان دربارۀ حدیثی که می‌گوید زنان ظرف‌های کوچکی را که در آن پنبه‌های آلوده به زردی بود نزد عایشه رضی الله عنها می‌فرستادند و ایشان به آن‌ها دستور می‌داد که شتاب نکنید تا ترشح سفید (قصۀ بیضاء) را ببینید، چیست؟ این یعنی عایشه رضی الله عنها زردی را حیض می‌دانست؛ پس آیا ابن‌عثیمین رحمه الله این حدیث را ضعیف می‌دانست یا دلایل دیگری داشت؟ همچنین آیا اضافۀ «پس از پاکی» در حدیث ام‌عطیه ـ که می‌گوید: «ما زردی و تیرگی را چیزی به حساب نمی‌آوردیم» ـ ضعیف است؟ که اگر چنین باشد، حدیث عام می‌شود و در این صورت نباید زردی و تیرگی را در هیچ حالتی حیض دانست. با علم به اینکه من به قولی عمل می‌کنم که این دو را در صورت متصل بودن به خون، جزو حیض می‌داند، اما می‌خواهم اطمینان پیدا کنم. و آیا علما بر تحقق پاکی با خشک شدن اتفاق نظر دارند؟

**پاسخ مفصل**

الحمدلله.

نخست:

نظر نهایی شیخ ابن‌عثیمین رحمه الله در این مسئله این است که زردی و تیرگی جزو حیض نیستند، حتی اگر به خون متصل باشند ـ چه پیش از آن و چه پس از آن ـ چنان‌که پیش‌تر در پاسخ به سؤال (179069) بیان شد.

اما آنچه در اثنای حیض و پیش از قطع شدن خون دیده شود، معتبر است؛ زیرا پیرو حیض محسوب می‌شود.

در «اللقاء الشهری» (۳۷/۷۳) از ایشان پرسیده شد: «جناب شیخ، خواهشمندم این موضوع را روشن کنید، زیرا سخن دربارۀ آن بسیار شده است؛ حکم تیرگی و زردی که پس از قطع شدن خون از زن خارج می‌شود چیست؟ پاکی زن چه زمانی است و آیا حتماً باید ترشح سفید (القصة البیضاء) دیده شود؟»

ایشان چنین پاسخ دادند: «این مسئله‌ای است که علما در آن اختلاف دارند و آنچه در نهایت نزد من ترجیح یافت، این است که به تیرگی و زردی اعتباری نیست، مگر آنچه در اثنای حیض باشد. برای مثال: زنی که عادتش پنج روز است، در روز سوم

تیرگی یا زردی می‌بیند؛ می‌گوییم این پیرو حیض است. اما زنی که پیش از نزول خون، تیرگی و زردی می‌بیند، به این تیرگی و زردی اعتباری نیست. و زن دیگری که از حیض پاک شده و خون قطع شده است و زردی و تیرگی باقی مانده، این هم حکمی ندارد».

این سخن که زردی و تیرگی جزو حیض نیستند، قول ابن‌حزم رحمه الله است که برخلاف نظر جمهور اهل علم ـ مذاهب چهارگانه و دیگران ـ در این باره است.

نگاه کنید به: «المحلی» مسئلۀ ۲۶۶ و ۲۶۹؛ و «موسوعة الطهارة» دبیان (۲۸۶/۶).

دوم:

به مطلبی مبنی بر تضعیفِ اضافۀ «بعد از پاکی» (بعد الطهر) توسط شیخ برنخوردیم؛ بلکه ایشان در چندین جا به آن استناد کرده و بر صحیح بودنش تصریح نموده است، و آن [اضافه] صحیح است.

ایشان ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «آنچه پس از پاکی دیده می‌شود، تیرگی باشد یا زردی یا لکه و یا رطوبت، هیچ‌کدام حیض نیست؛ بنابراین مانع نماز، روزه و آمیزش شوهر با همسرش نمی‌شود؛ زیرا حیض به حساب نمی‌آید. ام‌عطیه گفته است: «ما زردی و تیرگی را چیزی به حساب نمی‌آوردیم». بخاری این را روایت کرده و ابوداوود عبارت «بعد از پاکی» را به آن افزوده و سندش صحیح است». «مجموع فتاوی» (۱۱/۲۸۱).

ایشان همچنین می‌گوید: «سخن ام عطیه رضی الله عنها که: «ما زردی و تیرگی را پس از پاکی چیزی به حساب نمی‌آوردیم»؛ ابوداوود با سند صحیح آن را روایت کرده و بخاری نیز بدون عبارت «بعد از پاکی» آن را آورده، اما عنوانی که برای آن انتخاب کرده چنین است: «باب زردی و تیرگی در غیر روزهای حیض».

صاحب فتح الباری در شرح آن گفته است: «[بخاری] با این عنوان به جمع میان حدیث عایشه یعنی «تا زمانی که ترشح سفید را ندیده‌اید» و حدیث ام‌عطیه اشاره دارد؛ به این صورت که حدیث عایشه مربوط به زمانی است که زردی و تیرگی در روزهای حیض دیده شود و در غیر آن روزها، طبق سخن ام‌عطیه عمل می‌شود]». و حدیث عایشه که به آن اشاره نمود، همان است که بخاری پیش از این باب با صیغۀ جزم [قطعیت] به صورت معلق آورده است که زنان ظرف‌های کوچک [حاوی پنبه] را نزد او می‌فرستادند. (۱۱ / ۳۰۶).

شیخ رحمه الله ـ در نظر نهایی خود ـ عبارت «بعد از پاکی» در سخن ام‌عطیه را چنین تفسیر می‌کند که مراد از پاکی، همان «قطع شدن خون» است. در حالی که پیش از آن، مراد از پاکی را آمدن ترشح سفید یا حاصل شدن خشکی کامل می‌دانست.

ایشان ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «خون حیض وقتی قطع شود و به دنبال آن زردی یا تیرگی بیاید، اعتباری به آن نیست؛ یعنی پس از قطع شدن خون، به تیرگی و زردی توجهی نمی‌شود؛ زیرا الله تعالی می‌فرماید: وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى [بقره: ۲۲۲] (و از تو دربارۀ حیض می‌پرسند، بگو آن رنج و پلیدی است)؛ و پلیدی همان خون است.

ام‌عطیه نیز طبق روایت بخاری گفته است: «ما زردی و تیرگی را چیزی به حساب نمی‌آوردیم». در روایت ابوداوود آمده است: «پس از پاکی [آن را] چیزی به حساب نمی‌آوردیم»؛ اما پاکی با قطع شدن خون حاصل می‌شود.

بنابراین به این بانو می‌گوییم: تا زمانی که خون ـ یعنی همان خون سرخ ـ می‌بیند ـ مثلاً هفت روز ـ و پس از آن تیرگی یا زردی می‌آید، باید به محض قطع شدن خون حیض ـ یعنی در پایان هفت روز ـ غسل کند و نماز بخواند و روزه بگیرد و همسرش نیز می‌تواند با او آمیزش کند، هرچند زردی یا تیرگی داشته باشد». «اللقاء الشهری» (۳۶/۲۲).

مبنای استدلال شیخ این است که حیض همان «خون» است، نه زردی و تیرگی. (۸/۵۱).

اما دربارۀ اثرِ عایشه رضی الله عنها، آن را بر این معنا حمل می‌کند که مراد، دیدنِ زردی پیش از قطع شدن کامل خون است؛ چنان‌که در توجیه عنوان انتخابیِ بخاری برای حدیث ام‌عطیه گذشت.

به هر روی، قول راجح در این مسئله این است که تیرگی و زردی در روزهای حیض (در زمان امکان)، حیض محسوب می‌شود؛ خواه در ابتدای حیض و متصل به آن باشد، خواه در میانه یا در پایان آن (وقتی خون قطع شده و زردی و تیرگی باقی مانده است). این مذهب جمهور اهل علم است و حتی دربارۀ آن ادعای اجماع شده است.

سوم:

عموم فقها بر این باورند که پاکی با خشک‌شدن حاصل می‌شود؛ مگر آنچه از مالک رحمه الله دربارۀ زنی که ترشح سفید [قصۀ بیضاء] را می‌بیند نقل شده است که او با خشک‌شدن پاک نمی‌شود [مگر آنکه ترشح سفید را ببیند].

شیخ ابوعمر دبیان در کتاب «موسوعة الطهارة» (۷ / ۳۷) می‌گوید:

«مبحث چهارم: نشانۀ پاکی در زن حائض:

برخی معتقدند: به محض قطع‌شدن حیض، زن به طور مطلق پاک است؛ چه پس از آن رطوبت سفیدی خارج شود یا نه. این مذهب حنفی‌ها، شافعی‌ها و حنبلی‌ها است.

برخی گفته‌اند: اگر زن از کسانی باشد که ترشح سفید را می‌بیند، تا آن را نبیند پاک نمی‌شود؛ اما اگر آن را نمی‌بیند، نشانۀ پاکی او همان خشک‌شدن است. این موضوع در کتاب «المدونة» از امام مالک رحمه الله نقل شده است.

دیدگاه دیگر این است که: اگر زنی معمولاً با ترشح سفید پاک می‌شود و حالا خشک شدن را دیده، پاک شده است؛ اما زنی که با خشک شدن پاک می‌شود، با دیدن ترشح سفید پاک محسوب نمی‌شود تا زمانی که خشک شدن را ببیند.

گروهی نیز گفته‌اند: پاکی دو نشانه دارد: خشک شدن و ترشح سفید؛ زن هر کدام را که ببیند، نشانهٔ پاکی او است؛ خواه عادتش همواره با ترشح سفید بوده باشد یا با خشک شدن. ابن‌حبیب از یاران مالک رحمه الله چنین نظری دارد.

و گفته شده است: هر زمان که اثر خون سرخ، یا چیزی شبیه به آبِ گوشت، یا زردی، تیرگی، سفیدی یا خشک‌شدن کامل دیده شود، زن پاک شده است. این مذهب ابن‌حزم است.

از اینجا روشن می‌شود که دیدگاه‌ها به این ترتیب است:

۱ـ ملاک اصلی و مطلق، خشک شدن است.

۲ـ ترشح سفید بر خشک شدن مقدم است، اگر زن معمولاً آن را می‌بیند.

۳ـ خشک شدن بر ترشح سفید مقدم است، در صورتی که هر دو را ببیند.

۴- خشک شدن و ترشح سفید هر دو نشانهٔ پاکی هستند.

۵- دیدن هرگونه اثر ـ از خون سرخ گرفته تا زردی، تیرگی، سفیدی یا خشکی کامل ـ نشانهٔ پاکی است».

او در ادامه می‌گوید:

«استدلال کسانی که معتقدند برای زنِ دارایِ ترشحِ سفید، خشک شدن اعتباری ندارد، چنین است:

عیسی بن‌دینار می‌گوید: ترشح سفید برای اطمینان از پاکیِ رحم، از خشک شدن گویاتر است.

حافظ ابن حجر نیز می‌گوید: ممکن است پنبه در میانهٔ کار ـ یعنی در طول دوران حیض ـ خشک بیرون بیاید و این لزوماً به معنای قطع‌شدن حیض نیست؛ برخلاف ترشحِ سفید که نشانهٔ قطعی است».

در اینکه خشک شدن نشانهٔ پاکی است هیچ اختلافی نقل نشده، مگر همان نظری که پیش‌تر از امام مالک رحمه الله ذکر شد.

والله اعلم.